

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical	تاریخی
------------	--------

دگرمن احمد قندهاری

۰۸ جولای ۲۰۱۵

قوای مسلح افغانستان تا یک اردوی نا متجانس

۵

به ادامه بخشهای قبلی :

در آغاز این پراگراف از خاطرات تائر آورم می خواهم در رابطه با فروش و به یغما بردن اسلحه و وسایط اردو مکتبی داشته باشم.

فرار عساکر و منسوبین اردو با سلاح تا پیش از کودتای ننگبار هفت ثور ۱۳۵۷ جرم بسیار سنگین و خیانت ملی در قوانین نظامی شمرده می شد و جزای مرتکب به آن اعدام بود. ولی بعد از قیام های متواتر مردمی علیه حکومت کودتا فرار با سلاح و حتی فرار دسته جمعی پرسونل قطعات اردو به یک امر ایستادگی و دفاع از مقاومت همگانی مبدل گردید.

اسلحه ای که از صفوف قطعات اردو مصادره می شد، در شروع جنگ مقاومت نیرو های رزمی به آن مسلح می گردیدند. ولی بعداً که تنظیم های جهادی داخل صفوف جنبش خود جوش مردم موضع اسلامی گرفتند و جنگ ملی و رهائیبخش را ستمدهی اسلامی نمودند ، اسلحه مصادره شده از صفوف اردو طبق قوانین جهاد اسلامی غنیمت جنگ شمرده می شد و بر همین رکن اسلامی در بین قومندان و پرسونل جبهه حصه بخشی می شد. سلاحی که به قومندان تعلق می گرفت از ملکیت شخصی وی به حساب می آمد.

در سال (۱۹۸۵ م) این قلم در پاکستان در رابطه با صفوف جنگ مقاومت ملی شامل صفوف نبرد ملی بودم ، قیمت یک میل سلاح کلاشنکوف الی ۱۶۰ هزار کلدان پاکستانی و از تفنگچه تی تی و مکروف الی ۴۰ هزار کلدان بود . و قومندانان جهادی از درک فروش سلاح غنیمت گرفته شده صاحب پول و سرمایه شدند ، که بدین مناسبت در پاکستان دارای همه چیز شده، زندگی راحتی داشتند .

ولی عکس قضیه عساکری که به یک امید سلاح خویش را تسلیم مجاهدین نموده بودند ، دچار بی سرنوشتی گردیده و زندگی فقیرانه ای را در مهاجرت پاکستان سپری می نمودند. یک عده کمی از آنها به افغانستان برگشت می نمودند ، واز ناچاری به دولت تسلیم می شدند ؛ که از طرف دولت پوشالی مجازات و زندانی می گردیدند ، اکثراً در وقت فرار با سلاح عساکر، در بین جبهات و قومندان های دوتنظیم مخالف به غرض به دست آوردن سلاح عساکر فراری به برخورد های مسلحانه می انجامید. که منجر به قتل چندین مجاهد از طرفین می گردید. از جانبین کوشش می شد تا سلاح

های عساکر فراری را از آن خود نمایند . ممکن که اکثر هم وطنان ما شاهد و ناظر همچو واقعات در مناطق بودباش شان بوده باشند.

به طور نمونه بر مصداق نبشته ام می توان از برخورد گروپ شیخ محسنی با گروپ حزب الله (وابسته به ایران) در ناحیه اول قندهار به غرض دست یابی دو میل سلاح عساکر فراری ، یاد آور شد . که در نتیجه سه نفر از اعضای یک فامیل که از مردم محل بودند و عساکر فراری در همان کوچه تسلیم و مخفی شده بودند ؛ به شهادت رسیدند . (سال ۱۹۸۶ و یا ۱۹۸۷) از جمله سه نفر شهداء یک نفر آن یک معلم بسیار مهربان و شریف بود ؛ که روحش شاد و گرامی باد . و به خود اجازه نمی دهم که از نام آنها یاد آوری نمایم

در سال های بعدی اکثراً پوسته های نظامی در یک معامله گری ، پولی با قومندان پوسته به ارتباط تسلیمی سلاح و افراد پوسته صورت می گرفت .

باز هم از دهها معامله گری فروش پوسته های نظامی ، به طور نمونه از تسلیمی کندک ژاندارم واقع میرویس مینه قندهار که توسط رئیس ارکان کندک (عبدالستار خلقی) در بدل چهل هزار کلدان پاکستانی و فرارش به پاکستان فروخته شد . (نام گروپ جهادی محفوظ) ولی چندین تن از افراد جلبی کندک که هیچ رابطه ای با حزب بر سراقندار نداشتند و تنها عساکر جلبی جبری بودند ، بعداً به قتل رسیدند . این معامله گریهای سیاسی و استخباراتی را قابل تذکار دانستم که چگونه افراد بیگناه هموطن ما نا خود آگاه قربانی توطئه ها شدند .

و این تسلیمی ها و به دام انداختن افراد عادی جزوتام مربوطه ، توسط قومندانان پرچمی و یا خلقی در بدل اخذ پول معامله می گردید .

اکنون هم اکثر پوسته های افراز شده امنیتی توسط افراد نفوذی طالبی و افرادی که صرف به خاطر کسب معاش بخور و نمیر به صفوف قوای مسلح پیوسته اند ؛ به معاملات فروش پوسته های نظامی و امنیتی و اسلحه دست داشته شان موجب قتل و غارت می شوند .

از تخریب تا فروش و ذوب اردوی افغانستان تا بازسازی آن توسط امریکا در آغازین سال ۲۰۰۲ که مقامات دولتی ، مردم کشور ما را امیدوار به تامین امنیت و باز سازی نمودند . می پردازم به جریان پروسه و پلان گذاری این پروژه سود آور برای طرفین قضیه :

طوری که قبلاً تذکار داده شد یکی از مواد تعهد نامه بن تجهیز و مسلح نمودن قوای مسلح افغانستان ؛ خلع سلاح گروپ های مسلح اعم از ملیشه های قومی ، مجاهدین قبلی و قومندانان آنها در پلان گنجائیده شده بود .

سؤال برانگیز است : که آیا امریکا و شرکایش برای تجهیز و احیای مجدد اردوی افغانستان صادقانه عمل خواهد کرد یا نه ؟

همانطوری که در سال (۱۹۵۳) امریکا در تجهیز و مسلح نمودن اردو به تقاضای دولت وقت جواب منفی داد ؛ ملحوظاتی در میان بود : که از جمله در همین سال (۱۹۵۳) امریکا تعهد نامه کمک نظامی به اردوی پاکستان را نموده بود ، ثانیاً محاط بودن پاکستان به بحر هند و موجودیت پایگاه های نظامی امریکا در بحر هند ؛ نهایتاً موجودیت پاکستان در پیمان های نظامی سیتو و سینتو ، و شرایط ژئوپولیتیک منطقه را از عوامل اصلی و محوری می توان شمرد .

در ثانی : به ویژه محاط بودن افغانستان به خشکه ، و نظر به شرایط جغرافیائی و ژئوپولیتیک ، موجودیت سلسله جبال هندوکش و پامیر و مناطق صعب العبور محاروبی ، که بهترین سد محاروبی در مقابل شوروی وقت بود .

ثالثاً : ایران که در غرب افغانستان هم سرحد ما واقع شده ، و اردوی آن تحت پوشش کمک تسلیحات نظامی امریکا قرار داشت ، و موجودیت پایگاه های بزرگ نظامی در خاک ایران و حوزه خلیج فارس در سلطه و رهبری امریکا و

دول غربی سبب می گردید که افغانستان برای امریکا ارزش استراتژیک کمتر داشته باشد؛ بر وفق این ملحوظات نظامی منطقه ئی امریکا متماثل نبود که در مقابل دو دوست نظامی اش در مسلح ساختن اردوی افغانستان حصه بگیرد. لذا اکنون هم در تجهیز و مسلح نمودن قوای مسلح افغانستان به سطح یک اردوی مجهز و پیشرفته که توان مقابله با پاکستان را داشته باشد به هیچ صورت حاضر نخواهد شد. قسمی که افغانستان به حیث تخته خیز محاروبی به مقابل دشمنان آینده (چین، روسیه) امریکا در بهترین نقاط استراتژیک این سرزمین طبق پیمان امنیتی بین امریکا و افغانستان چندین پایگاه نظامی در مناطق سرحدی و مرکزی به قیمت رایگان به امضای مزدوران تربیت شده اش شامل مصونیت های قانونی و مالی تصاحب نمود.

افغانستان اکنون در تقابل به اردو های مجهز به سلاح اتمی؛ موقعیت بد وضع الجیشی دارد، که بدین لحاظ باید نظر به شرایط موجوده دارای یک اردو با میکانیزم پیشرفته و برخوردار از تفوق آتش محاروبی، هوایی و زمینی باشد؛ تا با دشمن کنونی و احتمالی آینده توان مقابله دفاعی جنگهای منظم جبهه ئی را داشته باشد.

امریکا در سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ علاقه مند به سرمایه گذاری برای احیای قوای مسلح افغانستان نبود، ولی با تلاش و لابی نمودن به خصوص خلیل زاد و دیگر تکنوکراتهای وابسته به غرب به دلخوشی مزدورانش فریب کارانه و غیر صادقانه تحت پلان تربیت نظامیان شروع به احداث مراکز تربیتی نظامی داخل کار زار شد، طوری که پاکستان (مرکز تربیتی ترورستان اسلامی برای سراسر جهان) رنجش خاطر پیدا نکند. مشاهده می شود که به عکس جهت پاکستان به مرکز تربیتی بنیاد گران اسلامی در مقابل اردوی شکسته و ناتوان افغانستان به مقابله برخاست.

توام با اشغال افغانستان در (دسامبر ۲۰۰۱) و در پی آن در سال (۲۰۰۳) امریکا با چند شریک امپریالیستی اش عراق را به اشغال خود درآورد. بعد از شکستادن و محو اردوی عراق که از نقطه نظر نظامی مسلح به میکانیزم پیشرفته و دارای قوه مقتدر هوایی بود، بعد از اشغال آن کشور تحت شعار بازسازی و آموزش پرسونل نظامی آن تحت رهبری یک حکومت مزدور و ضد مردمی به سرمایه گذاری آغاز نمود، که در نتیجه پروسه انسجام و تجهیز تسلیحاتی اردوی نا متجانس افغانستان به عقب افتاد. با استفاده از همین خلأ زمانی، پاکستان توانست تا طالبان متلاشی و سرکوب شده را مجدداً سازماندهی و مسلح سازد. ممکن است این امر تحت یک پلان محرمانه پاکستان و امریکا انجام شده باشد. تأیید جنرال مشرف از سازماندهی و حمایت طالبان در این اواخر در رسانه ها شاهد و بهترین مصداق اوضاع نا امن کنونی افغانستان می باشد.

طالبان در یک مدت زمان کوتاه بعد از سال ۲۰۰۴ به فعالیت های نظامی پراکنده از منطقه زمینداور هلمند که محل اصلی نشونمای آنها بود به فعالیت آغاز نمودند. و بعداً به حملات انتحاری که در افغانستان سابقه نداشت در مراکز شهر های بزرگ و پر ازدحام پرداختند. تا از طریق ترور و اختناق و فشار دولت پوشالی را به بحران نامنی بکشاند. البته در تسلیح نیرو های طالبی قوای اشغالگر غیر مستقیم و محرمانه شامل ماجرا بود، که در زمینه شواهد و مدارک زیاد ثبت شده که گنجاندن آنها در این مختصر نمی گنجد.

پدیده تسلیح و تجهیز اردوی افغانستان طبق خواست دول ذی علاقه غربی در رأس امریکا یک پروژه سرمایه گذاری و بهره کشی کورپروشن (CRP) های بزرگ وابسته به آن دولت ها بود که با تدوین پلانگذاری، قول اردو های متعدد و مراکز تعلیمی بدون کیفیت با زرق و برق نمایشات تیلوویزیونی آغاز به کار نمودند.

از آنجائی که در بازسازی اردوی افغانستان در قدم نخست ضرورت مبرم به میکانیزم تسلیحاتی محاروبی ثقیله و تجهیز و تسلیح قوای هوایی و مدافعه هوایی می باشد؛ ولی به عکس جهت، لشکر عظیمی در تبیین و تیبانی سران تنظیمی و به اصطلاح جنگ سالاران با سلاح خفیفه متنوع مسلح گردیدند. و با هزینه پولهای کمک شده، در معامله با

قراردادی های کوپوریشن های بزرگ دول مداخله گر استعماری غربی به تهیه لوازم تامیناتی از قبیل البسه ، اعاشه ، روغنیات با مصرف هنگفت حمل و نقل ، تجهیزات و ادوات انفرادی افراد پیاده مانند :

زانوبند ، کلاه دوربین دار ، و دیگر ادوات انفرادی که حمل و زنش سرعت حرکت یک عسکر پیاده را در اثنای فعالیت محاروبی به مشکل مواجه می نماید ، بازسازی آغاز گردید . در شرایط کنونی کشور نیروهای پیاده نظام شامل فعالیت محاروبی به حمایت آتش توپچی و هوایی ضرورت مبرم دارند .

در رابطه به حمل و نقل : امنیت کاروان های اکمالاتی ، تأمینات لوژستیکی و محاروبی قوای مسلح مربوط می شود به کمپنی های امنیتی که قسمت اعظم کمکهای بازسازی اردو تحویل خزانه صاحبان این شرکتها می گردد.

بزرگترین حصه از کمک های بازسازی اردوی افغانستان که بالاتر از خرید و اکمال تسلیحاتی می باشد به اکمال روغنیات وسایط و انتقال آن از طریق همین شرکت های امنیتی و تامیناتی به مصرف می رسد.

طبق گزارش کلید گروپ :

مصرف روغنیات شش قول اردو در هر ۲۴ ساعت برای جنراتور های تولید برق به ۶۰۰ هزار لیتر تیل می رسد. یعنی برای هر قول اردو، صد هزار لیتر تعیین گردیده . بعداز سال ۲۰۱۴ میلادی مصرف سالانه آن به هفت میلیارد دالر تخمین گردیده .

طبق گزارش جان ساپکو (Sopko) مقام بازرسی منابع امریکائی مصرف روغنیات اردو در مدت ده سال به صد میلیارد دالر رسیده . و همچنین قسمت بیشتر این کمک ها در پیشبرد امور تعلیم و تربیه نیروهای نظامی افغان به مصرف رسیده . که از تحقیق و بررسی دوسیه طوری استنباط می گردد که یک میلیارد دالر صرف تهیه پترول شده ؛ و مبلغ ۲۰۱ میلیون دالر مفقود شده.

اگر چه ارقام بررسی شده ضد و نقیض به نظر می رسد . ولی موجودیت فرعون های تفنگدار و سرمایه ، بر صحیح بودن این ارقام دلیل شده می تواند .

طبق گزارش کلید گروپ مؤرخه اگست ۲۰۱۰ :

شرکت های امنیتی برای بدرقه هر واسطه قوای ناتو ۴۰۰۰ دالر حسب قرارداد تثبیت نموده ، که در نتیجه ۵۰۰ الی ۸۰۰ دالر تادیه می شود . شرکت امنیتی افغانستان نوین تحت ملکیت لطف الله از جمله قومندانهای سیاف و امان الله گذر از شورای نظار ، با داشتن ۵۰۰ نفر سلاح انداز از زمره بزرگترین قراردادی های لوژستیکی میدان بگرام بوده ، که به علاوه بدرقه امنیتی کاروان های قوای ناتو را از شیرخان بندر الی بگرام و غزنی قرارداد نموده اند.

نظری کوتاه به پلان های طرح شده در نامتجانس شدن اردو :

احیای مجدد اردوی ملی افغانستان در سال ۲۰۰۲ م توسط قوای اشغالگر طرح و پلانگذاری گردید .

۱ - به ساختار و تأسیس چهار مرکز تعلیمی - سه مرکز جلب و جذب در رابطه با تشکیلات .

۲ - قومندانی عمومی تعلیم و تربیه، به غرض تدوین دوکتورین وظیفه و تهیه تمامی اصولنامه های نظامی و تعلیمنامه ها ، انسجام ، سازماندهی و رهبری موسسات تحصیلی و تعلیمی اردوی ملی را عهده دار می باشد .

در مورد تعلیمنامه های نظامی قابل تذکار می دانم : تعلیمنامه های قبلی اردوی افغانستان در آرشیف وزارت دفاع ملی موجود می باشد به جز از اصولنامه خدمات داخله متباقی همه طبق سلاح و وسایط محاروبی دست داشته آن زمان تدوین ، طبع و نشر شده بود؛ که می توان شامل سه کتگوری نمود :

تعلیمنامه های تخنیکی - تعلیمنامه های تکنیکی و تربیتی - تعلیمنامه های محافظه و نگهداری سلاح و وسایط .

و تعلیمنامه های تعلیمی و تخنیکی اکثراً توسط مشاورین نظامی روسی تدوین و ترجمه شده بود.

اکنون سؤال برانگیز می شود که بر کدام اصل و وضعیت نظامی موجه این تعلیمنامه ها و نظامنامه ها تدوین خواهد شد. موسسات تحصیلی و تعلیمی که تا کنون در اردوی ملی ایجاد شده :-

-- اکادمی ملی نظامی .

-- اکادمی ضد شورش .

-- اکادمی بریدمنان .

-- اکادمی دفاع ملی .

-- مکاتب مسلکی و کورسهای کوتاه مدت مسلکی و تربیتی عبارت اند از :

حربی بنونخی ، کورسهای مسلکی (لوژستیک ، کماندو ، درپوری ، استخبارات ، عقیدتی و فرهنگی ، صحیه و انجینری)

مدت هر کورس دو ماه .

مرکز تعلیمی نظامی کابل به گنجایش ۷۰۰ نفر ، مزارشریف ۱۴۰۰ نفر ، هرات ۱۴۰۰ نفر ، خوست ۶۰۰ نفر ، گردیز ۶۰۰ نفر ، مرکز تعلیمی دارالامان ۱۴۰۰ نفر .

مصارف بودیجه اردو از طریق صندوق مالی قوای ایساف تأمین می شود. که تا سال ۲۰۰۸ مبلغ هشت میلیارد دالر کمک و به مصرف رسیده . که طبق گزارش دهی موسسه تفتیش و مراقبت امریکائی (SIGAR) از مصرف ارقام کمک ها وانمود ساخته که حصه اعظمی این کمک ها برای معلمین ، ترجمان های کمپنی ها سکتوری و اکمالاتی و پلان گذاری به مصرف رسیده است.

ارقام و نامهای تشکیلاتی فوق الی سال ۲۰۰۸ بوده ، ممکن تغییرات زیاد بعداً انجام شده باشد.

از ساختار های تعلیمی اردو در دهه های ۵۰ الی ۸۰ در پاراگراف های قبلی این نیشته تذکار به عمل آمده ، که از آن استنباط می شود که سطح تعلیمی آن زمان به ارتباط سلاح های ثقیل محاربوی زمینی و هوایی دست داشته اردوی وقت به نسبت مراکز تعلیمی کنونی امریکائی به مراتب مسلکی و دارای اتوریته عالی تعلیم و تربیه نظامی بودند .

چون احیای مجدد اردو تحت پلان و نظر کار شناسان کشور های استعماری رهبری می گردد ؛ لذا نظر به شرایط سوق الجیشی منطقه و منافع امریکا و شرکاء ، اردوی افغانستان به سمت یک اردوی نامتجانس شکل دهی می شود.

کمک هائی که تحت نام اردوی افغانستان سرازیر می گردد ، طبق آمار رسمی مؤسسات وابسته به کشورهای ناتوئی آغشته به فساد بزرگ مالی و اداری از طریق مؤسسات امنیتی و ترانسپورتی و تولیدی به مصرف می رسد که توسط کارپوریشن های بزرگ کشور های کمک دهنده ، این کمک های مالی تحت قرارداد های خرید اسلحه ، وسایط نقلیه و ادوات تأمیناتی از افغانستان خارج می شود . طوری که بار ها شنیده شده که عساکر در اکثر ولسوالی ها و ولایات معاش ماهوار آنها تادیه نمی شود. بلکه توسط کمیشن کار های جلب و جذب عساکر و قومندان های مربوطه که اکثرأ از سران جهادی می باشند، به سرقت می رود .

سیستم و پروسه جلب و احضار عسکری که در زمانهای عادی تاریخ کشور عزیز ما از طریق ادارات مکلفیت عسکری الی سطح ولسوالی و علاقه داری ها تحت رهبری ریاست تشکیلات وزارت دفاع ملی برای سه ماه در سال صورت می گرفت. ولی این پروسه جلب و احضار در دوران حکومت خونتای خلق و پرچم طبق معمول قابل اجراء نبود ، بلکه شکل آدم ربائی را به خود گرفته بود.

اکنون تحت نظر کارشناسان امریکائی شکل (ریکروندنگ) را از پروسه کشور های خودی کاپی نموده اند . بدین معنی که افراد اردو اجیر و مزدور استخدام می شوند. ریکروندنگ که به معنی کمیشن کار بوده می تواند و کمیشن کاران

شرکت های امنیتی و سران جهادی و تنظیمی هستند که جوانان را یا از صفوف خود شان و یا هم از خیل بیکاران جامعه به صفوف اردو معرفی و استخدام می دارند.
ادامه دارد